

ارتباط شیوه‌های فرزندپروری مادران با انگیزش حرکتی و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی در اطفال ۹ تا ۱۱ ماهه

شهرام نظرپوری^۱، وحید ولی‌پور ده‌نو^۲، و سمانه بهزادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۰۸

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی ارتباط شیوه‌های فرزندپروری مادران با انگیزش حرکتی و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی در اطفال بود. جامعه آماری این پژوهش همه مادران و فرزندان پسر ۹ تا ۱۱ ماهه آنها از شهر خرم‌آباد بودند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه مادران با انگیزش حرکتی و رشد حرکتی مقدماتی اطفال وجود دارد. همچنین، ارتباط مثبت و معناداری بین شیوه فرزندپروری آسان‌گیرانه مادران و انگیزش حرکتی اطفال وجود دارد؛ اما نتایج ارتباط معناداری را بین شیوه فرزندپروری مستبدانه مادران با انگیزش حرکتی و رشد حرکتی مقدماتی اطفال نشان نداد؛ بنابراین، آموزش و آگاهی مادران از شیوه‌های مناسب فرزندپروری (مانند شیوه مقتدرانه) می‌تواند زمینه ارتقای انگیزش حرکتی و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی فرزندان را فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: رشد حرکتی، انگیزش حرکتی، شیوه‌های فرزندپروری، اطفال

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دکتری رفتار حرکتی، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه لرستان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: snazarpouri@yahoo.com

۲. استادیار، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه لرستان، ایران.

۳. کارشناسی‌ارشد، دانشکده پرستاری و مامایی رازی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ایران.

مقدمه

پژوهش‌های بسیار زیادی این موضوع را مشخص کرده‌اند که اطفال قادرند اطلاعات بسیار بیشتری را از آنچه انتظار داریم، پردازش کنند. اطفال همانند لوح سفیدی آماده شکل‌پذیری و الگوگیری مطابق میل ما از یک الگوی ازپیش‌تعیین‌شده، نیستند. آنان فکر می‌کنند و برای کسب اطلاعات محیطی به‌طور هدفمند (هچند در ابتدا به‌صورت غیردقیق)، از حرکت استفاده می‌کنند. هر طفل یک فرد است و هیچ دو طفلی وجود ندارند که یکسان رفتار کنند (گالاهو و اُزمون، ۲۰۰۶). نخستین شکل حرکات ارادی یک طفل، حرکات مقدماتی است که شامل حرکات استواری، جابه‌جایی و حرکات دستکاری هستند. ظهور این حرکات از طریق فرایندهای مرتبط با بالیدگی تعیین می‌شود؛ اما سرعت کسب این مهارت‌ها از عوامل زیست‌شناختی، محیطی و نوع تکلیف متأثر می‌شوند؛ براین‌اساس، می‌توان فرض کرد که رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی نه‌تنها نتیجه بالیدگی عصبی، بلکه حاصل یک نظام خودسازمانی است که عوامل فردی، محیطی و تکلیف را در برمی‌گیرند (پاین و ایساکس، ۲۰۱۲). در همین راستا، اخیراً انگیزش حرکتی^۱ به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم فردی و کارکردی مرتبط با رفتارهای حرکتی کودکان مطرح شده است (دورلپ و بارلت، ۲۰۱۴). افراد نه‌تنها از لحاظ رشد مهارت‌های حرکتی، بلکه از لحاظ میزان انگیزش برای حرکت و کسب موفقیت نیز متفاوت هستند. انگیزه به‌عنوان سائق‌ها، نیازها و امیالی تعریف شده است که جهت، شدت و ثبات رفتار را به‌سمت هدف تنظیم می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، آنچه به رفتار نیرو می‌دهد، هدایت

می‌کند، حفظ می‌دارد و پایایی می‌بخشد، انگیزش است (تلن، ۲۰۰۵). طبق نظریه بارش انگیزشی تلن (۲۰۰۵)، انگیزش یکی از چندین مؤلفه درون‌فردی حیاتی است که باید برای ظاهر شدن رفتار جدید در اطفال مدنظر قرار گیرد؛ براین‌اساس، انگیزش حرکتی کودکان با کسب هر موفقیت کوچکی در محیط، بیش‌ازپیش افزایش می‌یابد. به‌دلیل عمل تحریک انگیزش در جایی که موفقیت‌های متوالی حادث می‌شوند، انگیزه بیشتر و بیشتری برانگیخته می‌شود (تلن، ۲۰۰۵). آدلف و وریجکن^۲ (۱۹۹۹) یکی از دلایل عقب‌افتادگی برخی از کودکان نسبت به کودکان دیگر در اکتساب بارزهای حرکتی چون سینه‌خیزرفتن، چهاردست‌ویارفتن و راه‌رفتن مستقل را نداشتن انگیزش حرکتی مطلوب دانسته‌اند (آدلف و وریجکن، ۱۹۹۹). آتن‌اینی، برگر و سچر^۳ (۲۰۱۳) نشان داده‌اند که اطفال دارای انگیزش حرکتی بالاتر از رشد حرکتی سریع‌تری برخوردارند. درحقیقت، سائق حرکتی کودکان با حرکت برانگیخته می‌شود. اطفال با انگیزش حرکتی بیشتر نسبت به سایر کودکان، در زمان آموختن مهارت جدید دست به مخاطره می‌زنند، با سرعت بیشتری حرکت می‌کنند و به جست‌وجوی محیط اطراف خود می‌پردازند (آتن‌اینی و همکاران، ۲۰۱۳).

پژوهشگران بر این باورند که یک رویکرد مدرن رشدی برای مطالعه و بررسی رشد همه‌جانبه انسان در ابعاد مختلف، باید ساختارهای یکپارچه را در سطوح چندگانه از نوروں گرفته تا عوامل محیطی شامل خانواده، همسایگان، دوستان و غیره در برگیرد (گالاهو و اُزمون، ۲۰۰۶)؛ براین‌اساس، چگونگی وضعیت اجتماعی والدین، نحوه تعاملات والدین - فرزندان و جو حاکم بر خانواده، از جمله عوامل محیطی تأثیرگذار بر رشد

5. Doralap & Bartlett
6. Thelen
7. Adolph & Vereijken
8. Atun-Einy, Berger & Scher

1. Infants
2. Gallahu & Ozmun
3. Payne & Isaacs
4. Movement Motivation

با کودک اهمیت اساسی دارد و پژوهش‌های بسیاری بر نقش تعاملی والدین - فرزندان و شکل‌گیری مشکلات عاطفی و ارتباطی در آن‌ها تأکید کرده‌اند. در همین راستا، دارلینگ و اشتنبرگ^۳ (۱۹۹۳) و همچنین، برک^۴ (۲۰۰۶)، نحوه تأثیرگذاری والدین بر نیازهای فرزندان خود را در قالب سه شیوه فرزندپروری مقتدرانه؛^۵ آسان‌گیرانه^۶ و استبدادی^۷ بررسی کرده‌اند. در شیوه مقتدرانه، والدین بر خودمختاری فرزندان تأکید می‌کنند. والدین می‌دانند فرزندان نشان چه می‌کنند، چه عملی انجام می‌دهند و کجا می‌روند. در این سبک، والدین حاضرند خواسته‌هایشان را برحسب موقعیت‌های مختلف تعدیل کنند و به فرزندان خود متناسب با موقعیت، استقلال و آزادی عمل بدهند. در شیوه آسان‌گیرانه، والدین نسبت به فرزندان خود گرم و صمیمی هستند و به کودکان خود این آزادی عمل را می‌دهند که همانند بزرگ‌ترها حق و حقوقی داشته باشند؛ باین‌وجود، در شیوه مستبدانه، والدین از نظر متوقع بودن و داشتن کنترل روانی بر فرزندان خود، در سطح بالایی هستند و پاسخ‌گویی پایینی دارند. آنان آزادی عمل و استقلال اندکی را برای کودکان خود قائل هستند و فرزندان را تحت مراقبت شدید قرار می‌دهند (دارلینگ و اشتنبرگ ۱۹۹۳؛ برک، ۲۰۰۶).

پژوهشگران اثر شیوه‌های فرزندپروری والدین و تعاملات والدین - فرزندان را بر مشارکت ورزشی، عملکرد و فعالیت بدنی کودکان بررسی کرده‌اند. احسانی^۸ (۲۰۰۵) محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی و همچنین، مخالفت والدین را یکی از عوامل بازدارنده مشارکت در فعالیت‌های ورزشی افراد بیان کرده است. سیگموند، ترنوا، سیگموندوا و پریدلووا^۹ (۲۰۰۸) در

صفات، ظرفیت‌ها و خصوصیات بارز حرکتی اطفال هستند. مطرح شده است که والدین و به‌خصوص مادران، ابتدایی‌ترین و در اکثر مواقع، تعیین‌کننده‌ترین عامل انتخاب حرکتی فرزندان و موفقیت آنان هستند؛ زیرا، عمیق‌ترین تأثیر را بر نگرش و انتظارات فرزندان نسبت به فعالیت دارند (عدی‌مقدم، بهروزی و رمضانی، ۲۰۱۳). فرزندان در دوران طفولیت، بسیاری از ویژگی‌های حرکتی را که شبیه حرکات مادران خودشان هستند، فرامی‌گیرند. در دوران طفولیت، مادران در شکل‌گیری خصیصه‌های فردی فرزندان خود نظیر حرکات اشاره دست هنگام صحبت کردن، شیوه راه رفتن و وضعیت بدن نقش دارند. اطفال این عادات حرکتی را از طریق مشاهده والدین خود و در مدت زمانی طولانی فرا می‌گیرند (پاین و ایساکس، ۲۰۱۲). طبق نظریه «خودمختاری»^۱ دسی و رایان^۲ (۲۰۰۰)، انسان موجودی فعال، دارای نیازهای روان‌شناختی، انگیزه درونی متفاوت و گرایشی ذاتی برای تسلط بر محیط پیرامون خود است. از این جهت، مادران با حمایت خود به تأمین این نیازها کمک می‌کنند و زمینه دستیابی به سطوح بالای بهزیستی را در افراد فراهم می‌کنند (دسی و رایان، ۲۰۰۰). درواقع، پدر و مادر شدن فراتر از یک پدیده زیستی است و آن‌ها باید بدانند که برای برقرارکردن ارتباط درست با فرزندان چگونه به شیوه‌های تسهیل‌گرانه پاسخ دهند (لنذر، ۲۰۱۱). از این رهگذر، درمیان اعضای خانواده، مادر نخستین شخصیتی است که با کودک به‌ویژه در دوران طفولیت، رابطه مستقیم و تنگاتنگی دارد (هریس و کتین، ۲۰۰۲). از میان عوامل متعدد روابط انسانی مؤثر در رشد و تکامل کودک، شیوه فرزندپروری و نحوه تعامل مادر

6. Permissive
7. Authoritarian
8. Ehsani
9. Sigmund, Turonova, Sigmundova & Pridalova

1. Self-Determination
2. Deci & Ryan
3. Darling & Sheinberg
4. Burke
5. Authoritative

عملکرد بهتری دارند. چیانگ، لین و لی^۷ (۲۰۱۵) در پژوهش خود گزارش کردند که شایستگی مراقبت ادراک‌شده مادر، عامل مهمی برای رشد حرکتی اطفال است. هِنسِنسی^۸ (۲۰۱۵) به این نتیجه رسید که کودکان برخوردار از شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و آسان‌گیرانه نسبت به کودکان با شیوه فرزندپروری مستبدانه، رشد شناختی و حرکتی سریع‌تری دارند. باتوجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت والدین در توسعه نگرش‌ها و رفتارهای فرزندان به‌سمت فعالیت بدنی و مشارکت ورزشی و همچنین، ارضای نیازهای روان-شناختی و بهزیستی فرزندان نقش برجسته‌ای دارند؛ بنابراین، با توجه به اهمیت رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی و انگیزش برای حرکت دوران طفولیت در رشد همه‌جانبه فرزندان، این سؤال مطرح می‌شود که آیا انواع شیوه‌های فرزندپروری مادران (شیوه مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه) می‌تواند اثرهای متفاوتی بر رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی و انگیزش حرکتی فرزندان در طول دوره طفولیت داشته باشند؟ تاکنون مطالعات محدودی درخصوص بررسی اثر انواع شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رشد حرکتی کودکان انجام شده‌اند و پژوهشی که اثر انواع شیوه‌های فرزندپروری مادران را بر مهارت‌های حرکتی مقدماتی و انگیزش حرکتی فرزندان در دوره طفولیت بررسی کرده باشد، انجام نشده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر انواع شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه مادران بر رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی و انگیزش حرکتی فرزندان در دوره طفولیت، انجام شده است.

پژوهش خود گزارش کردند که فعالیت بدنی بیشتر والدین، باعث افزایش بیشتر فعالیت بدنی کودکان می‌شود و در ادامه، فعالیت بدنی کمتر آنان به کاهش میزان فعالیت بدنی فرزندان منجر می‌شود. جاگو، داویسون، بروکمن، آنجی و پجیا^۱ (۲۰۱۱) نشان دادند که شیوه فرزندپروری آسان‌گیرانه مادران نسبت به شیوه فرزندپروری مقتدرانه آنان، با سطح فعالیت بدنی بالاتری در کودکان مرتبط است. بنتلی، گودرد، جاگو، سبیر و لوکاس^۲ (۲۰۱۲) در پژوهش خود گزارش کردند که حمایت والدین و لذتی که کودکان از فعالیت بدنی می‌برند، از جمله عوامل مهم تسهیل‌کننده مشارکت کودکان در فعالیت‌های بدنی محسوب می‌شوند. عبدی‌مقدم و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که برخلاف شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و آسان‌گیرانه، ارتباط مثبت و معناداری بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین با سطح فعالیت بدنی فرزندان وجود دارد. سامرز و مورگان^۳ (۲۰۰۶) در پژوهش خود رابطه معناداری را بین شیوه‌های فرزندپروری و نگرش نوجوانان نسبت به ورزش و فعالیت بدنی نشان ندادند. داسینگر^۴ (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان داد که فشار اعمال‌شده پدر و مادر اثری بر قصد ادامه فعالیت ورزشی و تعهد آن‌ها نخواهد داشت. در پژوهش کرویس و ریلی^۵ (۲۰۱۷)، اثری از نقش والدین در خانواده بر زمان کسب بارزهای حرکتی اطفال مشاهده نشد. همچنین، درخصوص نقش والدین در رشد حرکتی فرزندان پژوهش‌های محدودی صورت گرفته‌اند؛ برای مثال، لی^۶ (۱۹۸۰) در پژوهش خود مشخص کرد کودکانی که توسط مادران غیرمستبد تربیت می‌شوند، در مهارت‌های پریدن و دویدن

5. Cruise & Reilly
6. Lee
7. Chiang, Lin & Lee
8. Hennessey

1. Jago, Davison, Brockman, Angie & Pagea
2. Bentley
3. Summers & Morgan
4. Dasinger

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی-همبستگی است که به شکل میدانی اجرا شده است. شرکت‌کنندگان: جامعه آماری این پژوهش همه مادران و فرزندان ۹ تا ۱۱ ماهه آن‌ها از شهر خرم‌آباد بودند که در نهایت، ۱۵۰ نفر از بین آنان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها: در این پژوهش، ابزارهای مورد استفاده عبارت بودند از: پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته اطلاعات فردی والدین و فرزندان؛ در این پرسش‌نامه، درباره سطح تحصیلات پدر و مادر، طلاق، غیبت و حضورنداشتن در خانه، بیماری یا معلولیت مادر و فرزندان، وضعیت شغلی، اعتیاد، تعداد فرزندان و میزان درآمد خانواده پرسش شد. در انتهای این پرسش‌نامه، رضایت‌نامه مورد نیاز برای شرکت در پژوهش برای ارائه به والدین گنجانده شده بود. پرسش‌نامه شیوه فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) این پرسش‌نامه را ساخت که شامل ۳۰ ماده؛ یعنی ۱۰ ماده برای هریک از شیوه‌های مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه است. شیوه نمره‌گذاری این پرسش‌نامه از نوع لیکرت پنج‌ارزشی است که از گزینه‌های «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» پراکندگی دارد. بامریند (۱۹۷۲) میزان اعتبار این پرسش‌نامه را با استفاده از روش بازآزمایی برای شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه برابر با ۰/۹۲، برای شیوه آسان‌گیرانه برابر با ۰/۸۱ و برای شیوه مستبدانه برابر با ۰/۸۵ گزارش کرده است. اسفندیاری (۱۳۸۴) میزان اعتبار این مقیاس را برای شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه، به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۷۷ و ۰/۸۳ گزارش کرده است (اسفندیاری ۱۳۸۴، به نقل از عبدی‌مقدم و

همکاران، ۲۰۱۳). از آنجایی که برخی از سؤال‌های این پرسش‌نامه (حدود هشت سؤال) از لحاظ محتوایی کمتر متناسب با نوع شیوه‌های فرزندپروری مادران و مفاهیم مرتبط با رشد و انگیزش حرکتی کودکان در دوره طفولیت بودند، پس از بررسی و بازنگری دقیق محتوایی سؤال‌ها توسط متخصصین علوم رفتاری، تعدادی از این سؤال‌ها حذف شدند و تعدادی نیز بازبینی شدند. در نهایت، پرسش‌نامه استفاده شده در این پژوهش، شامل ۲۴ ماده؛ یعنی هشت ماده برای هریک از شیوه‌های مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه بود. پس از محاسبه شاخص‌های روایی و پایایی نسخه بازنگری شده پرسش‌نامه ذکر شده (تکمیل شده توسط ۳۰۰ نفر از والدین اطفال ۹ تا ۱۱ ماهه در شهر خرم‌آباد)، ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ و ضریب پایایی بازآزمایی برابر با ۰/۹۱ با فاصله دو هفته به دست آمد که نشان‌دهنده روایی و پایایی زمانی قابل قبول این پرسش‌نامه است. پرسش‌نامه انگیزش حرکتی اطفال؛ اولین بار، دورلپ و بارتلت (۲۰۱۴) این پرسش‌نامه ۲۷ سؤال را برای ارزیابی میزان انگیزش حرکتی اطفال ۳ تا ۱۱ ماهه ارائه کردند. نوع مقیاس اندازه‌گیری این پرسش‌نامه از نوع لیکرت پنج‌ارزشی است که از گزینه‌های «تا حد زیادی» تا «هرگز» پراکندگی دارد و والدین در هر سؤال باید میزان انگیزش حرکتی طفل خود را درجه‌بندی کنند. زمان لازم برای تکمیل این پرسش‌نامه ۳۰ دقیقه و دامنه امتیاز کلی آن از ۲۷ تا ۱۳۵ است. نظریوری، بهرام و قدیری (۱۳۹۶) در پژوهش خود میزان روایی و پایایی بازآزمایی نسخه فارسی این پرسش‌نامه را به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۳ گزارش کردند. مقیاس رشد حرکتی پی‌بادی-ویرایش دوم؛ در این پژوهش، برای ارزیابی رشد مهارت‌های حرکتی

1. Baumrind's Parenting Styles Questionnaire (PSQ)

2. Infant Movement Motivation Questioner (IMMQ)

3. Peabody Development Motor Scales-

این پرسش‌نامه، تلاش شد اطفال سالم و بدون اختلال شناختی، جسمانی، حرکتی و روانی ویژه، انتخاب شوند. به همه پاسخ‌دهندگان اطلاع داده شد که شرکت در این مطالعه داوطلبانه است و همه اطلاعات آن‌ها به شکل محرمانه خواهد بود. در همین راستا، به دلیل احتمال حذف تعدادی از شرکت‌کنندگان، ابتدا تعداد ۲۲۰ پرسش‌نامه بین والدین اطفال موردنظر توزیع شدند که از این تعداد، ۱۵۰ نفر از آنان پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند و وارد مطالعه شدند. ۷۰ نفر از آنان به دلیل نقص در اطلاعات تکمیلی، تکمیل نکردن فرم رضایت‌نامه یا همکاری نکردن از مطالعه خارج شدند. معیارهای ورود برای مطالعه شامل زندگی طفل با هر دوی والدین و برخورداری از سلامت جسمانی، ذهنی، روان‌شناختی و حرکتی هم برای والدین و هم برای فرزندشان بود و معیارهای خروج شامل زندگی کردن طفل با یکی از والدین، داشتن هرگونه اعتیاد والدین به مواد مخدر و داشتن معلولیت یا مشکلات ذهنی، جسمانی، حرکتی و روان‌شناختی هم برای والدین و هم برای فرزندانشان بود. در همین راستا، تلاش شد همه آزمودنی‌های انتخاب‌شده از نظر وضعیت اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی نیز در سطحی همسان باشند. بعد از تحلیل داده‌های پرسش‌نامه و انتخاب شرکت‌کنندگان دارای شرایط، پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بین مادران هر کدام از اطفال برگزیده توزیع شد و برحسب اطلاعات به دست آمده، نمره هر کدام از سه شیوه فرزندپروری مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه مادران محاسبه شد. در مرحله بعدی پژوهش، برای تک‌تک اطفال آزمون رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی اجرا شد و والدین نیز پرسش‌نامه انگیزش حرکتی اطفال را تکمیل کردند و سپس، پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری شدند.

مقدماتی اطفال، از مقیاس رشد حرکتی پی‌بادی استفاده شد. این مقیاس آزمون هنجاریابی شده‌ای است که مهارت‌های حرکتی افراد را در قالب دو خرده‌مقیاس مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف، از بدو تولد تا ۸۳ ماهگی ارزیابی می‌کند. فولیو^۱ و فیوول^۲ این آزمون را در مؤسسه عقب‌ماندگی ذهنی و رشد هوشی دانشکده جورج پی‌بادی دانشگاه وندربیلت منتشر کردند. مقیاس حرکات درشت شامل ۱۷۰ ماده است که به ۱۷ سطح سنی و ۱۰ آیتم در هر سطح تقسیم می‌شود و شامل مهارت‌هایی مانند ثبات، جابه‌جایی، گرفتن و پرتاب کردن اشیاء می‌شود. مقیاس حرکتی ظریف شامل ۱۱۲ ماده است که به ۱۶ سطح سنی و به هشت ماده در هر سطح تقسیم می‌شود و مهارت‌های مربوط به گرفتن، هماهنگی چشم و دست و چالاک‌دستی را در برمی‌گیرد (پاین و ایساکس، ۲۰۱۲). فارسی، عبدلی، کاویانی و کاویانی (۱۳۸۹) در پژوهش خود بر روی اطفال شهر تهران، به ترتیب روایی و پایایی بازمی‌یابی برابر با ۰/۹۸ و ۰/۹۹ را برای این آزمون گزارش کرده‌اند.

روش اجرای پژوهش: برای اجرای این پژوهش، ابتدا هماهنگی اولیه با مدیران مراکز بهداشت و اداره بهداشتی شهر خرم‌آباد انجام شد و با تأیید طرح پژوهش توسط آنان و همچنین، با کسب موافقت معاونت امور اجتماعی و حراست این اداره‌ها، تفاهم‌نامه‌ای مبنی بر همکاری و رعایت اصول اخلاقی و ایمنی در پژوهش منعقد شد و سپس، پژوهشگران به مراکز بهداشت و مهدکودک‌های موردنظر معرفی شدند. در همین زمینه، پس از دریافت مجوز و انجام هماهنگی‌های لازم، ابتدا پرسش‌نامه پژوهش‌گراسته اطلاعات فردی، بین والدین فرزندان پسر ۹ تا ۱۱ ماهه توزیع شد. در ادامه، با توجه به اطلاعات تکمیل‌شده

اطلاعات توصیفی مربوط به مشخصات عمومی شرکت‌کنندگان (سن، قد و وزن) و متغیرهای پژوهش در جدول شماره یک نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، میانگین و انحراف معیار نمره کل انگیزش حرکتی آزمودنی‌های پژوهش (۳/۵۴) (۱۲۵/۴۵) است. همچنین، میانگین و انحراف معیار نمره بهره رشد حرکتی در مقیاس حرکات درشت (۳/۴۵) (۱۲۲/۱۵) و در مقیاس حرکات ظریف (۲/۸۷) (۱۱۸/۴۶) هستند.

روش پردازش داده‌ها: در این پژوهش، برای خلاصه و دسته‌بندی کردن اطلاعات، از آمار توصیفی و به شکل محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی (میانگین و انحراف استاندارد) استفاده شد. در ادامه، برای بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌های پژوهش از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و برای بررسی ارتباط بین انواع شیوه‌های فرزندپروری مادران و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی و انگیزش حرکتی اطفال، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همه عملیات آماری با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس نسخه ۲۰ و در سطح معناداری $P \leq 0/05$ انجام شده است.

یافته‌ها

جدول ۱. آماره‌های توصیفی [میانگین (انحراف معیار)]، ویژگی‌های عمومی شرکت‌کنندگان و متغیرهای پژوهش

شیوه فرزندپروری مقتدرانه	شیوه فرزندپروری مستبدانه	سن (ماه)	قد (سانتی‌متر)	وزن (کیلوگرم)	انگیزش حرکتی	رشد حرکتی ظریف	رشد حرکتی درشت
۳۶(۳/۲۴)	۳۲(۲/۲۱)	(۱/۴۵)	(۴/۵۴)	۹/۱۰(۱/۱۳)	۴۵ (۳/۵۴)	۱۲۲/۱۵(۳/۴۵)	۱۱۸/۴۶(۲/۸۷)
۳۴(۱/۱۲)	۱۰/۶	۷۴/۵۴	۱۲۵/				

همان‌طور که نتایج جدول شماره دو نشان می‌دهد، بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه مادران و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی درشت ($r=0/339$ ، $P=0/001$) و ظریف اطفال ($r=0/227$ ، $P=0/043$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما بین شیوه فرزندپروری مستبدانه مادران و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی درشت ($r=0/113$ ، $p=0/088$) و ظریف اطفال

همان‌طور که نتایج جدول شماره دو نشان می‌دهد، بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه مادران و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی درشت ($r=0/339$ ، $P=0/001$) و ظریف اطفال ($r=0/227$ ، $P=0/043$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما بین شیوه فرزندپروری مستبدانه مادران و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی درشت ($r=0/113$ ، $p=0/088$) و ظریف اطفال

جدول ۲. نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین ارتباط شیوه فرزندپروری مادران و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی (درشت و ظریف) فرزندان

متغیر	مقتدرانه		آسان‌گیرانه		مستبدانه	
	ضریب همبستگی (r)	معناداری	ضریب همبستگی (r)	معناداری	ضریب همبستگی (r)	معناداری
بهره حرکتی درشت	۰/۳۳۹	۰/۰۰۱	۰/۱۵۲	۰/۰۹۲	۰/۱۱۳	۰/۰۸۸
بهره حرکتی ظریف	۰/۲۲۷	۰/۰۴۳	۰/۱۳۶	۰/۰۸۵	۰/۱۲۱	۰/۰۹۷

همان‌طور که نتایج جدول شماره سه نشان می‌دهد، بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه مادران و انگیزش حرکتی اطفال ($r=0/447, p=0/003$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج نشان داد که بین شیوه فرزندپروری آسان‌گیرانه مادران و انگیزش

جدول ۳. نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین ارتباط شیوه فرزندپروری مادران و انگیزش حرکتی فرزندان

متغیر	مقتدرانه		آسان‌گیرانه		مستبدانه	
	ضریب همبستگی (r)	معناداری	ضریب همبستگی (r)	معناداری	ضریب همبستگی (r)	معناداری
انگیزش حرکتی	۰/۴۴۷	۰/۰۰۳	۰/۳۹۸	۰/۰۴۵	۰/۱۳۲	۰/۰۹۶

بود. در همین راستا، بخشی از نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه مادران و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی (مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف) فرزندان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما بین شیوه فرزندپروری آسان‌گیرانه و مستبدانه مادران و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی ارتباط معناداری وجود ندارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های لی (۱۹۸۰)، عبدی‌مقدم و همکاران (۲۰۱۳)، چیانگ (۲۰۱۵) و هننسی (۲۰۱۵)، همسو است و با یافته‌های پژوهش‌های سامرز و مورگان (۲۰۰۶) و کرویس و ریلی (۲۰۱۷)، ناهمسو است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات پیشین به‌ندرت رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی و انگیزش برای حرکت فرزندان و عوامل مؤثر بر آن‌ها را در کودکان و در دوره طفولیت مورد توجه قرار داده‌اند (دورلپ و بارتلت، ۲۰۱۴). بیان شده است که خانواده و به‌ویژه والدین می‌توانند به‌عنوان اولین نیروی اجتماعی‌شدن فرزندان، نقش حیاتی و بالقوه‌ای در افزایش سطوح فعالیت بدنی و میزان مشارکت ورزشی فرزندان ایفا کنند (پاین و ایساکس، ۲۰۱۲)؛ بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی ارتباط بین انواع شیوه‌های فرزندپروری مادران (شیوه مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه) و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی و انگیزش حرکتی فرزندان در دوره طفولیت

پیاژه و بالبی^۱ (۱۹۹۸) معتقدند که عملکرد والدین می‌تواند سبب ایجاد و گسترش طرحواره‌های مختلفی از قبیل طرحواره‌های حرکتی و شناختی در فرزندان شود. این طرحواره‌ها در طی تجارب کودکی شکل می‌گیرند و پاسخ فرد به رخدادهای محیطی را کنترل می‌کنند (یانگ، ۱۹۹۸)؛ براین اساس، مادری که با اعمال شیوه فرزندپروری مقتدرانه بسته به شرایط به فرزندان خود استقلال و آزادی عمل می‌دهند، در گسترش طرحواره حرکتی کودکان خود نیز موفق هستند. همچنین، محافظت بیش از حد مادرانه که اغلب در شیوه مستبدانه برای ایجاد رفاه و آسایش اعمال می‌شود نیز احتمال شکل‌گیری طرحواره‌های ناکارآمد حرکتی را در کودک افزایش می‌دهد (شهامت، ثابتی و رضوانی، ۲۰۱۰). در همین راستا، رولوفس، آنکفر و موریس (۲۰۱۳)، در پژوهش خود نشان دادند که الگوها و رفتارهای نادرست والدین سبب شکل‌گیری تجارب نامطلوب و ایجاد مشکلات ارتباطی در فرزند می‌شود. حکیمی‌راد، علی‌افروز، به‌پژوه، غباری و ارجمندی (۲۰۱۴) نشان دادند که بهبود رابطه والد-کودک به‌عنوان روش درمانی مؤثری در تعاملات همدلانه والدین با کودکان، در افزایش محبت و بهبود مهارت‌های اجتماعی فرزندان تأثیر دارد؛ براین اساس، همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نیز مؤید آن است، کودکی که در محیط اولیه زندگی خود از شیوه فرزندپروری مناسب (مانند شیوه فرزندپروری مقتدرانه) محروم باشد، از تعامل سازنده مادر-فرزندی و برخوردار از استقلال و آزادی عمل برای بازی و تحرک در محیط اطراف خود نیز محروم می‌شود. این امر می‌تواند منجر به شکل‌نگرفتن طرحواره‌های مناسب حرکتی و در نتیجه، تأخیر در رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی فرزندان شود. در مقابل، مادران مقتدر با

شناخت موقعیت‌های مختلف محیطی، زمینه مناسبی را برای تحرک، بازی و ارتقای رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی فرزندان خود فراهم می‌آورند (شهامت و همکاران، ۲۰۱۰).

شیوه‌های فرزندپروری به‌عنوان ویژگی از والدین که در طول زمان زمینه‌های محیطی و عاطفی را برای پروردن کودکان شکل می‌دهند، در نظر گرفته می‌شوند. در همین راستا، راهبردهای تشویقی و ممانعتی که مادران در شیوه‌های فرزندپروری نشان می‌دهند، ممکن است در ترغیب یا سرخوردگی فرزندان برای انجام فعالیت‌های بدنی و رفتارهای حرکتی مؤثر باشند. اگر رفتار حرکتی فرزند طوری باشد که وی به‌خاطر آنچه انجام می‌دهد، پاداش دریافت کند، احتمال دارد آن رفتار را دوباره تکرار کند؛ باین‌حال، نادیده‌گرفتن رفتارهای حرکتی فرزند از سوی مادر یا عکس‌العمل منفی در مقابل آن‌ها، ممکن است باعث توقف این رفتارها شود (روسن، چور و کریر، ۲۰۰۸). اثرگذاری شیوه فرزندپروری مادر بر رفتارهای حرکتی فرزندش ممکن است آگاهانه یا نیمه‌آگاهانه باشد (پاین و ایساکس، ۲۰۱۲)؛ برای مثال، مادران مقتدر با حمایت از استقلال فرزندانشان قادرند رفتارهای حرکتی آنان را در قالب یک الگوی مثبت نظارت و کنترل کنند، رفتار مستقل را تقویت کنند و با آموزش، حمایت و الگو بودن برای فرزندان راهکارهای دستیابی به کسب بارزهای حرکتی را تقویت کنند. افزون‌براین، در شیوه مستبدانه، مادران کنترل بیش از اندازه همراه با توقعات خشک و غیرقابل‌تغییری را بر فرزندان نشان دارند. همچنین، توجه‌نکردن به نیازهای فرزندان، نبود تعامل مؤثر بین مادر-فرزند و یک‌جانبه و دستوری بودن این شیوه می‌تواند به کاهش تلاش‌های کودک برای کسب بارزهای حرکتی گوناگون منجر شود (عبدی‌مقدم و

1. Piaget & Bowlby

2. Rosen, Cheever & Carrier

تولد به‌عنوان یک سائق حرکتی، نیروی رانشی اعمال و رفتارهای حرکتی را در طول زندگی فراهم می‌کنند. در همین زمینه، انگیزه اکتشافی به‌وسیله کنجکاوی برای کشف اشیای جدید و موردعلاقه و همچنین، فهم و درک قابلیت‌های عملکردی خود فرد، افزایش می‌یابد. منبع دیگر کسب انگیزش حرکتی، انگیزه اجتماعی است. انگیزه اجتماعی کودک را در طیف وسیعی از تعاملات انسانی قرار می‌دهد و موجب کسب آسایش، امنیت و رضایتمندی می‌شود. بدون انگیزه اجتماعی، رشد همه‌جانبه کودکان در معرض خطر قرار می‌گیرد. در واقع، تعاملات اجتماعی باعث تسریع در روند کسب انگیزش برای حرکت و یادگیری مهارت‌های حرکتی جدید می‌شود. در همین راستا، با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت که مادران مقتدر نسبت به مادران آسان‌گیر و مستبد، زمینه افزایش بیشتر انگیزه اکتشافی و دلبستگی اجتماعی را در کودکان فراهم می‌کنند. درحقیقت، مادران مقتدر باوجود کنترل و پاسخ‌دهی بیشتر نسبت به فرزندانشان، زمینه بهتری را برای کسب منابع انگیزش حرکتی (انگیزه اکتشافی و انگیزه اجتماعی) فراهم می‌کنند. مادران مقتدر کودکان را به‌عنوان افرادی باکفایت و موفق می‌نگرند و از آنان مطابق با توانایی‌شان انتظار دارند. آن‌ها به نیازهای فرزندان خود واقف هستند و فرزندان آن‌ها مستقل، گرم، صمیمی و دارای روحیه نشاط‌آور بیشتری نسبت به فرزندان مادران مستبد و آسان‌گیر هستند. فرایند اکتشاف محیط و دلبستگی اجتماعی که به ارضای نیازهای بهزیستی کودکان منجر می‌شود، در تعاملات مقتدرانه مادر فرزند به نحو مطلوب‌تری شکل می‌گیرد؛ در نتیجه، فرزندان مادران مقتدر متکی به خود، آرام و پرهیجان هستند و هویت شخصی آن‌ها آسیب نمی‌بیند (باربر، ۱۹۹۷). کسب

همکاران، ۲۰۱۳)؛ در نتیجه، همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد، نبود ارتباط معنادار بین رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی درشت و ظریف فرزندان و شیوه مستبدانه مادران نسبت به شیوه‌های مقتدرانه دور از انتظار نیست. همچنین، مادران آسان‌گیر از نظر سبک پذیرندگی - پاسخ‌گویی در سطح بالایی هستند؛ اما در سبک درخواست‌کنندگی و کنترل در سطح پایینی هستند. آن‌ها از رفتارهای فرزندان خود بسیار چشم‌پوشی می‌کنند و در رفتار فرزندانشان کمتر حالت کنترل‌کنندگی دارند (اسپرا، ۲۰۰۵). در شیوه آسان‌گیرانه، مادران واکنش‌پذیری قابل‌توجهی نسبت به فرزندان خود ندارند و از قوانین مشخصی برای تربیت آن‌ها استفاده نمی‌کنند. در این شیوه، فرزندان از برخورد خشن و دستوری والدین مستبد رها می‌شوند؛ اما این کودکان آزادی عمل بیش‌ازحدی را تجربه می‌کنند و به‌حال خودشان بدون هیچ‌گونه کنترل و محدودیتی رها می‌شوند. این امر خود می‌تواند آسیب‌زا باشد و رشد مهارت‌های حرکتی اولیه را نسبت به شیوه مقتدرانه مادران، محدود کند (ون هافستن، ۲۰۰۷). بخش دیگری از نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه و آسان‌گیرانه مادران و انگیزش حرکتی فرزندان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما بین شیوه فرزندپروری مستبدانه مادران و انگیزش حرکتی فرزندان ارتباط معناداری مشاهده نشد. از آنجایی که تاکنون پژوهشی در راستای بررسی اثر شیوه‌های فرزندپروری بر انگیزش حرکتی کودکان انجام نشده است، پژوهشی که یافته‌های مطالعه حاضر را با آن مقایسه کنیم، وجود نداشت. ون هافستن (۲۰۰۷) دو منبع مهم و حیاتی کسب انگیزش برای حرکت را شامل انگیزه اکتشافی و انگیزه اجتماعی دانسته است. این دو منبع برانگیزاننده، از بدو

کنند (جاگو، ۲۰۱۱)؛ در نتیجه، پیشنهاد می‌شود که به‌عنوان یک راهبرد پیشگیرانه و ارتقای رشدی در برنامه‌های بهداشت روانی برای تمامی مادران به‌ویژه کسانی که در آستانه ازدواج هستند، آموزش شیوه‌های فرزندپروری گنجانده شود تا مادران با آگاهی و استفاده از سبک‌های مناسب فرزندپروری (مانند سبک مقتدرانه) بتوانند در ارتقای مطلوب‌تر رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی و انگیزش برای حرکت فرزندان خویش در ماه‌های اولیه زندگی موفق باشند. پژوهش حاضر محدود به اطفال با دامنه سنی ۹ تا ۱۱ ماهه است؛ بنابراین، با توجه به تأثیرگذاری والدین بر فرزندانشان از بدو تولد، انجام پژوهش‌های مشابهی درخصوص ارتباط انواع شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رشد مهارت‌های حرکتی و انگیزش حرکتی هم در دختران و هم در پسران، در سنین مختلف رشدی ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین، با در نظر گرفتن اهمیت رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی و انگیزش برای حرکت اطفال و با توجه به اینکه بررسی اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری والدین بر این متغیرها در مراحل مقدماتی است، پیشنهاد می‌شود که برای حصول اطلاعات کاملاً روشن در این زمینه، اثر متغیرهای دیگری مانند نقش دیگر اعضای خانواده (مانند خواهر و برادران بزرگ‌تر یا کوچک‌تر) نیز در رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی و انگیزش برای حرکت اطفال بررسی شود.

منابع بیشتری از انگیزه اکتشافی و دلبستگی اجتماعی توسط مادران مقتدر به‌ویژه در دوران کودکی، زمینه را برای احساس دلبستگی و نزدیکی بیشتر و در نتیجه، بهبود انگیزش حرکتی فرزندان فراهم می‌سازد. این درحالی است که تعاملات مستبدانه مادر- فرزند که توأم با برخوردهای خشن، محدودکننده و کنترل افراطی است، به ازدست‌رفتن منابع انگیزشی (اکتشاف و دلبستگی اجتماعی)، فرزندان منجر می‌شود و در نتیجه، به انگیزش حرکتی فرزندان آسیب جدی وارد می‌کند (تولکی‌زاده و لگزیان، ۲۰۱۱). همچنین، تعامل آسان‌گیرانه مادر- فرزند به‌خاطر فرصت خودگردانی بیشتری که برای فرزندان فراهم می‌آورد و همچنین، به‌علت ابراز محبت بیشتر مادران آن‌ها، به‌جای برخوردهای خشن و تنبیه‌کننده مادران مستبد، وضعیت مطلوب‌تری را برای کسب انگیزش حرکتی از منابع اکتشافی و دلبستگی اجتماعی رقم می‌زند (عبدی‌مقدم و همکاران، ۲۰۱۳). به‌طور کلی، اطفال در ماه‌های نخستین زندگی دست‌پرورده مادران خود هستند و شیوه‌های فرزندپروری و نحوه تعاملات مادر^۶ فرزند معلول عوامل مختلفی از قبیل وضعیت اقتصادی خانواده، تولد کودک جدید، آسفتگی‌ها و نابسامانی‌های خانوادگی، تحصیلات والدین و جنسیت کودک هستند؛ بنابراین، مادران باید در شیوه‌های تربیتی افراط و تفریط را کنار بگذارند و در کنار آزادی منطقی برای رشد فرزندان خود، کنترل صحیحی بر رفتار آن‌ها اعمال کنند تا از این طریق زمینه‌های رشد مهارت‌های حرکتی اولیه و انگیزش حرکتی بالای فرزندان خود را فراهم

منابع

1. Adolf, K. E., Vereijken, B., & Denny, M. A. (1998). Learning to crawl. *Child Development*. 69(5), 1299-312.
2. Abdimoghadam S, Behrozi A, Ramezani R, The relationship between parenting style with children physical activity. 2013, *Studies sport psychology*, 6, pp. 25-36.
3. Atun-Einy O, Berger SE, Scher A. Assessing motivation to move and its relationship to motor development in infancy. *Infant Behavior and Development*, 2013 Jun 30; 36(3):457-69. DOI: 10.1016/j.infbeh.2013.03.006.
4. Burke MU. Familial influence on self-efficacy: Exploring the relationship between perceived parenting style, current social support, and self-efficacy beliefs in a sample of non-traditional college students. *Unpublished doctoral dissertation*, May 2006; 114(3):452.
5. Bentley GF, Goodred JK, Jago R, Sebire SJ, Lucas PJ, Fox KR, Stewart-Brown S, Turner KM. Parents views on child physical activity and their implications for physical activity parenting interventions: a qualitative study. *BMC pediatrics*. 2012 Nov 20; 12(1):180.
6. Baumrind D. The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 1991. 11, 56-95.
7. Chiang YC, Lin DC, Lee CY, Lee MC. Effects of parenting role and parent-child interaction on infant motor development in Taiwan Birth Cohort Study. *Early human development*. 2015 Apr 30; 91(4):259-64. DOI: 10.1016/j.earlhumdev.2015.02.005.
8. Cruise S, Reilly D. The influence of parents, older siblings, and non-parental care on infant development at nine months of age. *Infant Behavior and Development*. 2014 Nov 30; 37(4):546-55. Daniel E, Plamondon A, Jenkins JM. An Examination of the Sibling Training Hypothesis for Disruptive Behavior in Early Childhood. *Child Development*. 2017 Feb 1.
9. Deci EL, Ryan RM. The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological inquiry*. 2000 Oct 1; 11(4):227-68.
10. Doralap S, Bartlett D. Infant Movement Motivation Questionnaire: Development of a measure evaluating infant characteristics relating to motor development in the first year of life. *Infant Behavior and Development*. 2014 Aug 31; 37(3):326-33. DOI:10.1016/j.infbeh.2014.04.002.
11. Darling N, Steinberg L. Parenting style as context: An integrative model. *Psychological bulletin*. 1993 May; 113(3):487.
12. Dasinger TM. Parental pressure, anxiety, and performance among age group swimmers. *Kinesiology*: 2014, 07, 03.
13. Ehsani M. Level of sport participation for women in Iran and leisure constraints. *The International Journal of Humanities*. 2005 Jun 19; 12(3):15-28.
14. Farsi A, Abdoli B, Kaviani M, Kaviani A. The effect of perception-motor experiences on motor development quotation of fine and gross movement on 5 to 8 month infants. *Development*

- and motor Learning -Sports- number 5: 71-84.
15. Gallahue DL, Ozmun JC. Understanding motor development: infants, children, adolescents, adults. 2006. P. 267-74.
 16. Hennessey JM. Interaction effects of parenting styles and child temperament: Motor, cognitive, and language development in children prenatally exposed to alcohol (Doctoral dissertation, Duquesne University). *Pro Quest Dissertations*, Publishing May 2015. 3702606.
 17. Hutchens A, Lee RE. Parenting Practices and Children s Physical Activity: An Integrative Review. *The Journal of School Nursing*. 2017 Jan 1;1059840517714852.
 18. Harris AE, Curtin L. Parental perceptions, early maladaptive schemas, and depressive symptoms in young adults. *Cognitive Therapy and Research*. 2002 Jun 1; 26(3):405-16.
 19. Hakimi Rad E, Ali Afrooz G, Beh-Pajoo B, Ghobari B, B, Arjmandnia A. The effects of response inhibition and working memory training programs on improving social skills in children with Attention Deficit / Hyperactivity Disorder. *Q J Psychol Stud*. 2014; 4(36):9-30.
 20. Jago R, Davison KK, Brockman R, Page AS, Thompson JL, Fox KR. Parenting styles, parenting practices, and physical activity in 10-to 11-year olds. *Preventive medicine*. 2011 Jan 31; 52(1):44-7. DOI: 10.1016/j.ypmed.11.001.
 21. Lendreth G. Play therapy the art of relationship. Tehran: Roshd; 2011.
 22. Nazarpouri SH, Bahram A, Ghadiri F. Determining the validity and reliability of the Persian version of Infant movement motivation questionnaire (IMMQ) for 3 to 11 month children. *Research in sports management and motor behavior*. Volume 7. Number 13, Pages 81-95.
 23. Payne VG, Isaacs LD. Human Motor Development A Lifespan Approach. Eight Edition, *McGraw-Hill Higher Education*: 2012, P. 112-124.
 24. Rosen LD, Cheever NA, Carrier LM. The association of parenting style and child age with parental limit setting and adolescent MySpace behavior. *Journal of Applied Developmental Psychology*. 2008 Dec 31; 29(6):459-71. DOI:10.1016/j.appdev.2008.07.005.
 25. Roelofs J, Onckels L, Muris P. Attachment quality and psychopathological symptoms in clinically referred adolescents: The mediating role of early maladaptive schema. *Journal of child and family studies*. 2013 Apr 1; 22(3):377-85.
 26. Sigmund E, Turonova K, Sigmundova D, Pridalova M. the effect of parents physical activity and Inactivity on their childrens physical activity and sitting. *Acta Univ, Palacki Olomuc, Gym*, 2008 Dec. 38(4), 17-23.
 27. Summers J, Morgan MJ. The impact of parental style on sports consumption preferences of teenagers: an exploratory investigation in the Asia Pacific region. *Asian Journal of Marketing*. 2006; 12(1):23-34. <http://eprints.usq.edu.au/archive/00002011/>.
 28. Spera C. A review of the relationship among parenting practices, parenting styles, and adolescent school achievement. *Educational psychology review*. 2005 Jun 1; 17(2):125-46. DOI: 10.1007/s10648-005-3950-1.

29. Thelen E. Dynamic systems theory and the complexity of change. *Psychoanalytic Dialogues*. 2005 Apr 15; 15(2):255-83.
30. Tozandehjani H, Tavakolizadeh J, Lagzian Z. The effect of parenting styles on self-efficacy and mental health of students. *The Horizon of Medical Sciences*. 2011 Jul 15; 17(2):56-64.
31. Shahamat F, Sabeti A, Rezvani S. [Examining the relationship between raising children and preliminary maladaptive schemas]. *Educ Psychol Stud*. 2010;11 (2):229-54
32. Von Hofsten C. Action in development. *Developmental science*. 2007 Jan 1; 10(1):54-60.
33. Young C. The young schema Questionnaire: short Form 1998. Available from: <http://home.Sprynet.com/sprynet/schema/ysqs.html>.

استناد به مقاله

نظری پوری، ش.، ولی پور دهنو، و بهزادی، س. (۱۳۹۷). ارتباط شیوه‌های فرزندپروری مادران با انگیزش حرکتی و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی در اطفال ۹ تا ۱۱ ماهه. *مجله مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، شماره ۲۵، ص. ۷۴-۱۶۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2018.4206.1437

Nazarpouri, SH., Valipour dehno, V., & Behzadi, S. (2018). The Relationship of The Mothers Parenting Styles with Movement Motivation and Primary Motor Skills Development in 9-11 Months Old Infants. *Journal of Sport Psychology Studies*, 25; Pp: 161-74. In Persian. Doi: 10.22089/spsyj.2018.4206.1437

The Relationship of the Mothers Parenting Styles with Movement Motivation and Primary Motor Skills Development in 9-11 Months Old Infants

SH. Nazarpouri¹, V. Valipour dehno², and S. Behzadi³

Received: 2017/12/19

Accepted: 2018/04/28

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship of the mothers parenting styles with movement motivation and primary motor skills development in infants. The statistical population of this study included all mothers and their 9-11 months old sons in Khoramabad city. The results of Pearson correlation test showed that there is a significant and positive relationship between the authoritative parenting style of mothers and movement motivation, and the primary motor development of infants. Also, there was a significant and positive relationship between the permissive parenting style of mothers and movement motivation of infants. However, there wasn't a significant relationship between the authoritative parenting style of mothers and movement motivation, and primary motor development of infants. Therefore, educating and raising the awareness of mothers about proper parenting styles (such as authoritative style) can provide the context for promoting movement motivation and primary motor skills development of children.

KeyWords: Motor Development, Movement Motivation, Parenting Styles, Infants

1. PhD in motor behavior, Department of Physical Education and Sports Sciences, Lorestan University, Iran, (Corresponding author) E-mail: snazarpouri@yahoo.com
2. Assistant Professor, Department of Physical Education and Sports Sciences, Lorestan University, Iran.
3. Master's degree nursing, college of Nursing and Midwifery, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran.